

صدایی در شب سرد سوهانک

رسیدن به بلوغ جسمی یا عاطفی

من فکر می‌کنم بلوغ آدم‌ها در فلان سن خاص، یک قرارداد اجباری میان ماست که در آن فقط منظورمان بلوغ جسمی است. در واقع اگر بلوغ، شرط انجام کار با اراده و تصمیم خودمان باشد، شاید بهتر بود قانونی برای بلوغ فکری وضع می‌شد. هر چند که این هم شدنی نیست و باید به همان بلوغ جسمی بسنده کنیم، چون هر کس شاید در سن و سالی نامشخص به بلوغ فکری و عاطفی برسد: یکی در سی سالگی، یکی در پنجاه و یکی هم تا آخر عمر نمی‌رسد!

با این زاویه نگاه، که کار را برای تعیین تکلیف سن بلوغ سخت می‌کند، هر کس فقط آن زمان می‌تواند خود را از لحاظ فکری و عاطفی بالغ بداند که بر احساسات خود مسلط شده باشد و بداند کی و به چه شکل و اندازه آن را بروز دهد.

این آدم بالغ می‌داند که به هیچ کس - چه خودش و چه دیگران - با نگاه کامل و بی‌نقص نگاه نکند. اصلاً آدمی را با نقص‌هایش پذیرفته و می‌داند هیچ عمل او بی‌عیب و کامل نیست و انتظاری غیر از این ندارد.

شاید این‌گونه، دیگر از رفتار بد دیگران ناراحت نمی‌شود، قضاوت‌هایشان او را آشفته نمی‌سازد و حتی به خاطر نظر دیگران کل زندگی خود را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. همچنین این دوست بالغ چون به دنبال نگاه کمال‌گرا نیست، پس می‌داند خوب و بد بودن آدم‌ها هم مقطعی است و در ظرف زمان تغییر می‌کند. حتی می‌تواند برای رفتار دیگران دلایل منطقی پیدا کند: گاهی آدم‌ها هزار و یک کار ناخوشایند می‌کنند فقط چون ترس دارند، وحشت زده و مضطرب‌اند و حتی قدرت‌شان برای مقاومت کم است. آن وقت است که کارهایشان کمی موجه شده و به یکباره زیر تیغ قضاوت ما محکوم نمی‌شوند و تمام این رفتار آنها را ناشی از بدجنسی، خبثت و رذالت نمی‌دانیم. شاید همان آدم‌ها اگر در موقعیت بهتری بودند و کسی آنها را مورد احترام و حمایت قرار می‌داد تا اعتماد به نفس بیابند، امروز رفتاری ناشی از ترس و به ضرر دیگران انجام نمی‌دادند.

فکرش را که می‌کنم رسیدن به ملاک برای بلوغ فکری و کنترل احساسات (چه مثبت و چه منفی) کار ساده‌ای نیست. یعنی سخت است که برایش قانونی تعیین کنیم. پس بهتر است به همان بلوغ تعریف شده در عرف بسنده کنیم و بگوئیم هر کس به سن قانونی رسید، بالغ شده و حق دارد هر کاری که قانون معین کرده انجام دهد.

بگذریم. قصه امروز ما بیان روابط میان افراد در خانواده‌ها، چه دور و چه نزدیک است. تاثیر روابط مالی و اجتماعی بر زندگی و رابطه بین آنها که گاه معنای همان بلوغ فکری را می‌دهد. عکس‌العمل‌هایی که بعضی اوقات نشانی از بلوغ ندارد و هر کس با یک رفتار احساسی، فقط آن لحظه را در نظر می‌گیرد.

راوی داستان - با سابقه‌ای که از او دارید - روابط را به زیبایی توصیف می‌کند به گونه‌ای که خواننده می‌تواند در میان آدم‌های قصه حرکت و زندگی کند. گاهی از رفتارشان خرده بگیرد و گاهی نیز به آنها حق بدهد. همراهش شوید و با شخصیت‌هایش به زندگی نگاه کنید. می‌دانم داستانش جذب‌تان خواهد کرد.

بهمن رحیمی

دی‌ماه ۱۳۹۸ - تهران